

## دروس معرفت نفس

### درس اول

وجود است که مشهود ما است؛ ما موجودیم و جز ما همه موجودند؛ ما جز وجود نیستیم و جز وجود را نداریم و جز وجود را نمی‌یابیم و جز وجود را نمی‌بینیم.

وجود را در فارسی به هست و هستی تعبیر می‌کنیم. در مقابل وجود عدم است که از آن به نیست و نیستی تعبیر می‌شود. و چون عدم نیست و نیستی است پس عدم هیچ است و هیچ، چیزی نیست تا مشهود گردد و اگر بحثی از عدم پیش آید به طفیل وجود خواهد بود. پس وجود است که منشأ آثار گوناگون است و هر چه که پدید می‌آید از وجود باشد نه از عدم. و من بدیهی‌تر از این درس چیزی نمی‌دانم.

این بود سخن ما در این درس و خلاصه این که جز هستی چیزی نیست و همه هستند و هر اثری از هستی است.

اکنون در دنباله این درس یک فحص و بحث در پیرامون مشهودات خود به میان می‌آوریم که ببینیم کدام یک آنها اشرف از دیگران است تا دانش‌پژوهان را در مسیر تکاملی علمی و دانش‌پژوهی، موجب مزید شوق، و زیادتی ذوق گردد و رغبت و میل آنان فزونی گیرد و سبب کثرت استبصار و وفور انتباه آنان شود. اینک گوییم که در مشهودات خود کاوش می‌کنیم تا ببینیم آثار وجودی کدام یک از آنها بیشتر است:

یک قسم از مشهودات خود را می‌بینیم که به ظاهر هیچ حس و حرکت ندارند و آنها را رشد و نمو نیست، چون: انواع سنگها و خاکها و مانند آنها که این قسم را جماد می‌گوییم.

و یک قسم دیگر را می‌بینیم که تا حدی حس و حرکت دارند و رشد و نمو می‌کنند، چون: انواع نباتات که رستنیها باشند؛ از گیاه گرفته تا درخت. و چون جماد و نبات را با یکدیگر بسنجیم که هر دو در اصل وجود داشتن مشترکند. و جماد حجم دارد، نبات هم حجیم است. آن وزن دارد و این نیز وزین است تا کم کم به جایی می‌رسیم که می‌بینیم نبات رشد و نمو دارد و او را تا اندازه‌ای حس و تا حدی حرکت است ولی جماد فاقد این کمال است و صاحب این کمال آثار وجودی بیشتر دارد

پس نبات در رتبه برتر از جماد است. و یک قسم دیگر را می‌بینیم که آنها را حرکات گوناگون است و حس آنها به مراتب شدیدتر و قویتر از حس نباتات است و افعال جور واجور از آنها بروز می‌کند و همه از اراده آنها است که انواع حیوانات بری و بحری‌اند. و چون این قسم را با نبات مقایسه کنیم می‌بینیم که هر دو در وجود داشتن و جسم بودن و در لوازم جسم شریکند و نیز نبات را رشد و نمو است یعنی دارای قوه‌ای است که بدان قوه غذا می‌گیرد و می‌بالد و این قوه را در این قسم که حیوان است نیز می‌یابیم تا اندک اندک به جایی می‌رسیم که می‌بینیم حیوان واجد کمالاتی است که نبات فاقد آنها است که همان حرکات ارادی و افعال گوناگون است که ناچار شعور و قوه و بینش بیشتر و قویتر موجب آنگونه امور مختلف است، پس آثار وجودی و حیاتی حیوان بیشتر از نبات است؛ پس حیوان در رتبه برتر از نبات است.

و یک قسم دیگر را می‌بینیم که تمام آثار وجودی حیوان را دارا است با اضافه این معنی و حقیقت که موجودی است دارای رشد و نمو و حس و حرکت ارادی و دیگر قوای حیوانی، ولی افعالی از او صادر می‌شود که از هیچ حیوانی ساخته نیست. و می‌بینیم که همه حیوانات و نباتات و جمادات مسخر اویند و او بر همه حاکم و غالب و این موجود عجیب انسان است. پس ناچار قوای حیاتی و وجودی او بیشتر از حیوانات است، پس انسان در رتبه والاتر از حیوان است.

و باز اگر در افراد این نوع، فحص و کاوش کنیم می‌بینیم که آثار وجودی دانا به مراتب بیش از نادان است و همه اکتشافات و اختراعات و ... از دانشمند است نه از نادان، و انسان نادان، محکوم دانا و تابع او است و در حقیقت دانش است که محور جمیع محاسن است. پس انسان دانا، اشرف از انسان نادان و حیوان و نبات و جماد است. پس در حقیقت، علم، موجود اشرف، و در رتبه، فزون‌تر از همه است تا زمان بحث در گوهر علم فرا رسد که ببینیم چگونه گوهری است.